مروری بر نکات اخلاقی ـ تربیتی حدیث کساء

راضیه حسنی[1]
زهرا رضائیان[2]

چکیده

امروزه یکی از آسیب‌های جدی فراروی جامعه انسانی، ناپایداری و تزلزل در خانواده‌ها و فقدان آرامش و روابط مستحکم میان اعضای خانواده است که در صورت غفلت، ضربه‌های سنگین و جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه اسلامی وارد خواهد کرد. این در حالی است که با تحقق الگوی اسلامی در جامعه و شکل‌گیری سبک زندگی بومی و اسلامی در خانواده، به راحتی می‌توان مانع گسترش چنین مشکلاتی شد. تحقق این امر مهم، منوط به ارائه و تبلیغ انواع سبک‌های زندگی مقبول و منطبق با آموزه‌های دینی و اسلامی است. از این‌رو در پژوهش حاضر تلاش شده است با روش توصیفی به ارائه نکات مهم اخلاقی ـ تربیتی همچون صله رحم، ارتباط کلامی، نوازش کلامی، نحوه صدا کردن والدین، جایگاه پدر و رهبر، اهمیت سلام، صریح بودن، دقت در امور و ... در محدوده حدیث کساء پرداخته شود.

واژگان کلیدی: اخلاق، تربیت، خانواده، حدیث کساء.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ تعلیم و تربیت موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه ﷺ خواهران، (نویسنده مسئول) قم، ایران.
Marzi7710911@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح ۲ جامعة الزهراء ﷺ، کارشناس ارشد علوم قرآن و تفسیر. دانشگاه قرآن و حدیث. قم، ایران.
Tahoraa.r@gmail.com

مقدمه

سبک زندگی به شکل نوین، اولین بار توسط روان‌شناسی به نام «آلفرد آدلر» در سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد و سپس محققان دیگری نیز تعاریف گوناگونی بر اساس بینش عقاید خاص خود ارائه دادند. آنچه اغلب روان‌شناسان از سبک زندگی ارائه می‌دهند، بیشتر به بُعد فردی و شخصیتی پرداخته شده است که نتیجه نهایی آن نیز نظریه‌های تک بُعدی است؛ اما اسلام به عنوان آیینی جامع و کامل و با توجه به همه ابعاد زندگی بشر، سبک زندگی را به معنای شیوه‌هایی از زندگی دانسته است که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی و برای ایجاد ارتباط با محیط جامعه و پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به کار می‌گیرد. بنابراین سبک زندگی از نظر اسلام، یک زندگی مادی یا فرهنگی صرف نیست؛ بلکه زندگی از عناصر متعددی تشکیل شده است و هدف از آن، اعتلای ارزش‌های والای آدمی و رسیدن به قرب الهی است(ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

از آنجا که خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه، تشکیل‌دهنده زیرساخت‌های جامعه معنوی است؛ برای تشکیل جامعه مهدوی باید تربیت را از نهادهای کوچک‌تری همچون خانواده شروع کرد. مقالات بسیاری در این زمینه به رشته نگارش درآمده است که مقاله «قرائتی تربیتی از حدیث کساء با روش تحلیل محتوا» نوشته امرائی، نظربیگی و عترت‌دوست (۱۳۹۹) از گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، یکی از این مقالات است. در این مقاله با استمداد از روش تحلیل محتوا، متن حدیث مورد واکاوی قرار گرفته و پس از بررسی کمّی داده‌ها، فراوانی واژگان کلیدی، مضامین اصلی و مضامین فرعی یا نقاط تمرکز حدیث استخراج شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، مباحثی مانند استفاده از القاب و کنیه‌ها، سلام و پاسخ آن، اذن و اجابت و تأکید بر صمیمیت اعضای خانواده در متن حدیث، از کمیت بیشتری برخوردار هستند که آن‌ها را می‌توان محوری‌ترین اصول تربیتی حاکم بر حدیث کساء قلمداد کرد.

مقاله «اصول و روش‌های تربیتی بر مبنای حدیث کساء» نگاشته کاوه (۱۴۰۰) از دیگر

مقـالات در ایـن حوزه اسـت که بـا روش تحلیل محتوا بـه نتایجی با درجه اعتبار بالا رسـیده است. بر اساس این پژوهش، بشر همواره در زندگی خود پیگیر کم و کیف تعلیم و تربیت بوده اسـت. تأمل و دقت در آموزه‌های دینی نیز نشـان می‌دهد که اصول تعلیم و تربیت با هدف و فلسـفه آفرینـش منطبق اسـت و انبیـا و معصومین علیهم‌السلام همواره به عنوان الگو و سرمشـق در معارف دینی معرفی شده‌اند. مقاله «بررسی آثار تربیتی حدیث شریف کساء» تألیف حسینی، اسـماعیلی و کمانکـش (۱۳۹۹) نیز به بیـان برخی از مهم‌ترین آثار تربیتی این حدیث شـریف پرداخته است. مهم‌ترین این آثار را عبارتند از: بیان اهمیت فرهنگ صله رحم، رعایت توجه به خداوند هنگام درد و گرفتاری‌ها، توجه دادن به احترام به بزرگترها و یکدیگر، رعایت حریم شخصی و احترام به مقام رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و تضمین اجابت دعای پیروان و شیعیان در صورت تأسی به این بزرگواران.

تألیفات گوناگونی با موضوع بررسی سبک‌های تربیتی و اخلاقی در آیات و احادیث و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تألیف شده است که در اغلب آن‌ها واژه «خُلق» را با واژه «خَلق» هم‌ریشه دانسته‌اند. خُلـق زیبـا به معنای سرشـت یا صفت معنـوی و درونی زیباست(حسـینی زبیـدی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۲۰؛ ابن‌منظـور، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۹۴). تربیـت نیـز از مـاده «ربـو» و بـه معنای رشـد تدریجی و تغییر کمی و کیفی متربی است و فرایند تربیت در ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی، آداب فردی و اجتماعی، علوم رایج و امثال آن کاربرد دارد(مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۸). کسـاء نیز در زبان عربی از ریشـه «کسـو» و معنای به لباسی است که خود را با آن بپوشانند(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۱۱). همچنین به معنای زیرانداز و روانداز به کار رفته است(عسکری، ۱۳۹۱، ص ۱).

از آنجاکه نکات اخلاقی تربیتی نهفته در حدیث کساء کمتر به صورت مکتوب مورد بررسی قرار گرفته اسـت، در پژوهش حاضر تلاش شـده است به توصیف و تحلیل این نکات با شیوه کتابخانه‌ای پرداخته شود. در این پژوهش از منابع روایی همچون بحارالانوار و میزان الحکمه و کتاب‌های تفسیری همچون المیزان فی تفسیر القرآن بهره برده و تلاش شده است به این سؤالات پاسخ داده شود که نکات اخلاقی ـ تربیتی مطرح شده در حدیث کسا چیست؟ این نکات چه تأثیراتی بر افراد خانواده دارد؟ حدیث شریف کساء دربردارنده نکات ارزنده‌ای است

کـه در ایـن پژوهـش تنها به چهار مورد آن اشـاره شـده و به عنوان برنامـه اجرایی، کاربردی و ارزشـمند در زندگی ارائه گردیده اسـت. اجرایی شـدن این فرمان‌ها و اسـتفاده صحیح، بجا و خداپسـندانه از آن‌هـا نه تنها کانون خانواده را به سـعادتمندی و مهـرورزی توأم با عواطف شایسـته انسـانی می‌رسـاند؛ بلکه زمینه شـکوفایی جامعه سـالم، پویا، سـعادتمند، مترقی و برخوردار از علم و دانش و تعهد و متخصص را نیز مهیا می‌کند.

نکات اخلاقی ـ تربیتی

اخلاقی بودن یا دانش اخلاق، قسـمی از علوم انسـانی و موضوع آن، شـناخت مصادیق ارزش‌هـا و بیانگـر راه‌هـای کسـب فضائـل و ترک رذائـل اخلاقی اسـت. یکـی از صاحب‌نظران حقـوق مدنـی آن را این‌گونـه معنـا کرده اسـت: «تربیت طفل عبـارت اسـت از آموختن آداب اجتماعی و اخلاق متناسب با محیط خانوادگی او و نیز کوشش در فراگرفتن علم یا صنعت و یا حرفه متناسب با زمان و وضعیت اجتماعی خانوادگی که در آینده بتواند با به دست آوردن عایدات کافی، زندگانی خود را به رفاه بگذرانند»(امامی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۱۹۰).

۱. ارتباط با خویشاوندان

ارتباط با خویشاوندان، در احادیث و متون اسلامی با واژه «صله رحم» به کار رفته است و به روش‌های گوناگونی همچون رسیدگی و خبرگیری، کمک مالی و آبرویی و ... انجام می‌شود. صله رحم و ارتباط با خویشاوندان از سویی با ارائه ارزش‌های مثبت، موجب گسترش هنجارها و پایبندی افراد به آن‌ها می‌شـود و هم از دیگر سـو اثر بازدارنده‌ای نسـبت به ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌های اجتماعی اسـت؛ از همین روسـت که فرموده‌اند: «إِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ وَ الْبِرَّ لَيُهَوِّنَانِ الْحِسَـابَ وَ يَعْصِمَانِ مِنَ الذُّنُوب(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۷)؛ صله رحم و نیکوکاری، حسـاب را آسان می‌کند و از گناهان نگه می‌دارد».

در اولین فرازهای حدیث کساء، ورود پیامبر اسلام ﷺ به خانه حضرت زهرا علیها السلام برای دیدار بیان شـده اسـت: «دَخَلَ عَلَى اَبِی رَسُولُ‌اللَّهِ ... ». این جمله گویای محبت پیامبر ﷺ به دختر

بزرگوارش و فرهنگ صله رحم است. اگر چه اسلام، تأمین‌کننده نیازهای فطری انسان است و پیشوایان دینی نیز همواره بر ارتباط با خویشاوندان تأکید کرده‌اند، اما متأسفانه جامعه مدرن امروزی با ورود به فضای مجازی و استفاده گسترده از تلفن همراه، این فرهنگ را به دست فراموشی سپرده است. پیامبر اسلام ﷺ در اهمیت این مسئله فرموده است: «صِلَةُ الرَّحِمِ تَعْمُرُ الدِّيَارَ وَ تَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ وَ إِنْ كَانَ أَهْلُهَا غَيْرَ أَخْيَارٍ(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۷، ص ۱۶۳)؛ پیوند با خویشاوندان شهرها را آباد می‌کند و بر عمرها می‌افزاید؛ هر چند انجام‌دهندگان آن از نیکان هم نباشند». این عمل افزون بر اجر اخروی، دارای آثار اجتماعی مطلوبی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱ـ۱. صله رحم و یادگیری اجتماعی

یکی از نظریه‌های یادگیری اجتماعی، نظریه «آلبرت بندورا» است. بنا بر این نظریه مردم از طریق مفاهیم مشتمل بر یادگیری مشاهده‌ای، تقلید و الگوبرداری، از یکدیگر مطالبی را یاد می‌گیرند(Bandura, A. 2001). موارد یاد شده مانند یادگیری، تقلید و الگوبرداری در گرو حضور فرد در اجتماع و تعامل با افراد است. بنا بر این نظریه، اغلب رفتارهای آدمی ناشی از مشاهده و مدل‌سازی است. فرد با مشاهده رفتار دیگران درباره چگونگی رفتارهای جدید، ایده کسب می‌نماید و در موقعیت‌های دیگری از این مطالعات رمزگذاری شده به عنوان راهنمای عمل استفاده می‌کند. افراد می‌توانند قبل از رفتار کردن، به طور تقریبی نحوه رفتار و عمل را از طریق مشاهده الگو و نمونه یاد بگیرند(هاید، ۱۳۸۷).

خانه حضرت زهرا ﷺ، یکی از بهترین نمونه‌ها برای مشاهده و مدل‌سازی است. فرد، عضوی از خانواده و خانواده، یکی از حلقه‌هایی است که زنجیره جامعه را تشکیل می‌دهد؛ از این‌رو هر عملی که در خانه انجام می‌شود، در واقع تمرینی برای انجام آن در حد وسیع‌تر یعنی جامعه است. از سویی جمع شدن اقربان و نزدیکان، عملی بسیار نیکو و شایسته و مستحب است که موجب شادمانی و افزایش محبت قلبی میان افراد می‌شود. نمونه بارز و صادق آن، جمع شدن اهل‌بیت ﷺ در زیر کساء و در کنار پیامبر ﷺ است. از سوی دیگر معاشرت‌های کوچک نیازمند توجه به حقوق دیگران، احترام، گذشت، همکاری و ... توسط

فرد می‌تواند موجب یادگیری و انسجام اجتماعی شود. انسجام نیز موجب حیات، بالندگی جامعه و نیز عمران و آبادانی آن می‌شود. شیوه‌های رفتار با کودکان و فرزندان، شیوه‌های احترام و تکریم کودکان و فرزندان، احترام و تکریم والدین توسط فرزندان، قدردانی از کارهای مثبت فرزندان و تشویق آن‌ها، پاسخ به نیازهای روانی و عاطفی افراد، برخورد شایسته همسر با همسر و ... نمونه‌های بارز یادگیری فردی و اجتماعی است که از فرازهای حدیث شریف کساء می‌توان به دست آورد.

صله رحم موجب همبستگی اجتماعی می‌شود. تفاهم و همبستگی میان اعضای خانواده و در ابعاد بزرگتر در میان اعضای گروه‌های کوچک فامیلی و یاری رساندن آنان به همدیگر، در اجتماع نیز اثر می‌گذارد و موجب شکل‌گیری انسجام اجتماعی می‌شود. از آنجا که پایه و اساس گروه‌های خویشاوندی، تمایلات فطری و کشش‌های طبیعی میان افراد است، اسلام نیز بر آن مهر تأیید زده و آن را نقطه شروع اصلاح نظام اجتماعی دانسته است؛ چنانکه رسول خدا ﷺ در این باره فرموده است: «إِنَّ اَلصَّدَقَةَ وَ صِلَةَ اَلرَّحِمِ تَعْمُرَانِ اَلدِّيَارَ وَ تَزِيدَانِ فِي اَلْأَعْمَارِ(طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۸)؛ انفاق در راه خدا و صله رحم، خانه‌ها را آباد و عمرها را طولانی می‌کند».

۱ـ۲. صله رحم و نظارت اجتماعی

برقراری ارتباطات اجتماعی و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، مهم‌ترین منبع جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی به شمار می‌رود. در واقع جامعه‌پذیری، فرایندی است که فرد در حین سپری کردن آن با عقاید، هنجارها، ارزش‌ها، آداب و و رسوم ملی و مذهبی جامعه خود آشنا می‌شود، روش‌های زندگی اجتماعی را می‌آموزد و به عنوان فردی از جامعه آمادگی عمل را پیدا می‌کند. این فرایند در محیطی صورت می‌گیرد که تعامل‌های دوجانبه، در هم تنیده شدن منافع و مصالح مشترک، تلاش برای برطرف کردن حاجت‌های مادی و معنوی دیگران و ... وجود داشته باشد. طبیعی است که این تعاملات، نظارت اجتماعی را نیز به همراه خواهد داشت. افراد در شبکه خویشاوندی به عنوان جامعه‌ای کوچک، به طور مستقیم و غیرمستقیم ناظر بر رفتار یکدیگرند. اسلام با

دستور برقراری صله رحم، زمینه را برای چنین نظارتی فراهم کرده است. از همین روست که پیامبرﷺ مأمور شد بیان احکام اسلام و اجرای آن را از خویشان خود آغاز کند: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء: ۲۱۴).

نظارت اجتماعی از خانواده شکل می‌گیرد و به اجتماع تسری می‌یابد. مجری نظارت در خانواده، مخاطب خود را به خوبی می‌شناسد و این نظارت حالت عاطفی دارد. به کارگیری نام‌های نیکو و القاب شوق‌انگیز در ارتباط با یکدیگر و به‌ویژه فرزندان، موجب می‌شود ارتباط صمیمی و عمیقی میان والدین و فرزندان شکل بگیرد و بدین‌سان از انحراف فرزندان جلوگیری می‌شود. نمونه بارز بهره‌گیری از نام‌های نیکو القاب شوق‌انگیز را می‌توان در حدیث شریف کساء مشاهده کرد که حضرت زهراعليها‌السلام در نامیدن فرزندانش از القابی همچون «قُرَّةَ عَيني»، «ثَمَرَةَ فُؤادی» و «شافِعَ اُمَّتی» استفاده می‌کند و عالی‌ترین درجه محبت و احترام در ارتباط میان والدین و فرزند را به نمایش می‌گذارد.

۱ـ۳. رابطه با خویشاوندان و احساس ایمنی

یکی از مسائل مهم بهداشت روانی که بعد از نیازهای فیزیولوژیکی همواره بر آن تأکید می‌شود و میان روان‌شناسان به‌ویژه انسان‌گراها مطرح است، «احساس ایمنی» است. آبراهام مزلو، روان‌شناس معروف انسان‌گرا، جزو اولین کسانی بود که در این زمینه نظریاتی را مطرح کرد. او چهارده نشانگان را برای کسانی که احساس ناایمنی می‌کنند، برشمرده است که «احساس طرد شدن» یکی از آن‌هاست؛ یعنی فرد احساس می‌کند مورد عشق و علاقه دیگران نیست، دیگران با او برخورد سرد و بدون محبت دارند و مورد تنفر و خصومت دیگران واقع شده است. «احساس تنهایی» و «احساس خطر دائمی»، از دیگر نشانگانی است که او مطرح کرده است. از نظر او نشانگان سه‌گانه فوق، نشانگان اولیه احساس ناایمنی هستند که به عنوان علت محسوب می‌شوند؛ زیرا دیگر نشانگان، ثانویه و معلول این سه عامل هستند(شاملو، ۱۴۰۰، ص ۱۴۴). حفظ پیوندهای خانوادگی و فامیلی و معاشرت با آن‌ها، می‌تواند احساس طرد شدن را از فرد دور کند. فرد در تماس مداوم با اقوام و نزدیکان احساس می‌کند مورد عشق و علاقه دیگران واقع شده است و رفتار آنان با او بر اساس

محبت و عطوفت است و مورد تنفر و خصومت دیگران نیست؛ زیرا همه انسان‌ها در طول زندگی، احساسات متفاوتی را تجربه می‌کنند و بسیاری از احساسات نیز وابسته به تعاملات آن‌هاست. افراد در تعاملات می‌توانند به احساسات یکدیگر پاسخ مثبت یا منفی بدهند.

حضرت زهرا علیها السلام هنگامی که از ورود فرزندان‌شان خبر می‌دهد، می‌فرماید: «وَ اِذا بِوَلَدیَ الحسن قَد اَقبَلَ» و هنگامی که از ورود همسرش خبر می‌دهد، می‌فرماید: «فَاَقبَلَ عِندَ ذلک ابوالحسن علی بن ابی‌طالب». بانوی بزرگ اسلام از امیرالمؤمنین علی علیه السلام با کنیه «ابوالحسن» یاد می‌کند و بدین شکل نهایت تکریم و احترام خود به همسر بزرگوارش را با استفاده از کنیه آن حضرت به تصویر می‌کشد. ارتباطات خانوادگی و استفاده از کلمات زیبا و احترام به افراد، از احساس تنهایی و طردشدگی فرد می‌کاهد. وجود روابط گرم و صمیمی میان اعضای خانواده و اقوام، همدلی و همبستگی میان آن‌ها را بیشتر می‌کند تا آنجا که هنگام بروز مشکلات و ناملایمات، هر یک پشتوانه دیگری می‌شوند و می‌توانند در مقابل سختی‌ها و حوادث مقاومت کنند. فردی که این اطمینان و آرامش را در مجموعه خانواده از دوران کودکی تجربه کرده است، هیچ‌گاه هنگام خطر و ناراحتی احساس تنهایی نمی‌کند؛ زیرا همواره دیده است که هنگام بروز حادثه، همه افراد خانواده و فامیل ضمن ابراز همدردی، برای کمک به یکدیگر آمده‌اند.

در واقع یکی از آثار معاشرت‌های خانوادگی و ارتباط‌های فامیلی، کاهش احساس ناایمنی و تقویت و اغنای یکی از مهم‌ترین نیازهای عاطفی یعنی احساس ایمنی است؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله از ضعف در بدن خود به دخترش فاطمه علیها السلام پناه می‌برد و به او می‌فرماید: «اِنّی اَجِدُ فی بَدَنی ضُعْفاً ... یا فاطِمَهُ ایتینی بِالْکِساَّءِ الْیَمانی فَغَطّینی بِهِ». پناه بردن رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام، حاکی از صمیمیت اعضای خانواده در سبک زندگی اهل‌بیت علیهم السلام است. از دیگر موضوعات سبک زندگی دینی در سیره اهل‌بیت علیهم السلام می‌توان به احترام میان اعضای خانواده اشاره کرد که منشأ ایجاد آرامش و صمیمیت میان اعضای آن است. در متن حدیث، اهل کساء در اوج صمیمیت و عطوفت با بهره‌گیری از تعابیری همچون «یا اُمّاه»، «یا ابتاه»، «یا ولَدی»، «یا وصیّی و خلیفتی و صاحب لوائی» و... به تصویر کشیده شده است.

سکوت و بی‌روحی بر این فضا حاکم نیست؛ زیرا سکوت یکی از عوامل آسیب‌زا در حوزه مباحث عاطفی در خانواده است.

۲. توجه به جایگاه والدین

اصل وجود آدمی از پدر و مادر است؛ از این‌رو جایگاه والدین در پیوندهای خویشاوندی از اهمیت بسزایی برخوردار است. از آنجا که والدین پس از خداوند، حق حیات بر گردن فرزند خود دارند و او را از زمان ناتوانی و ضعف کودکی تا زمان توانمندی و قدرت جوانی یاری می‌رسانند و آنچه در توان دارند، برای او هزینه می‌کنند؛ قرآن نیز نیکی به آن‌ها را پس از توحید بیان کرده است: ﴿أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ (انعام: ۱۵۱)؛ «چیزی را با او شریک قرار ندهید و به پدر و مادر احسان کنید». اهمیت جایگاه والدین در اسلام را از این سخن امام رضا علیه‌السلام می‌توان دریافت که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَ أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۵۶)؛ خداوند به سپاسگزاری از خودش و پدر و مادر فرمان داده است، پس کسی که از پدر و مادرش سپاسگزاری نکند؛ خدا را شکر نکرده است».

یکی از جلوه‌های ادب و تکریم والدین توسط فرزندان، فروتنی در برابر ایشان است؛ چنانکه قرآن کریم فرموده است: ﴿وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ (اسراء: ۲۴)؛ «و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن؛ چنانکه مرا در کوچکی پروراندند». درباره چگونگی تواضع در مقابل والدین در روایات آمده است: «لاَ تَمْلأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلاَّ بِرَحْمَةٍ وَ رِقَّ وَ لاَ تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا وَ لاَ يَدَكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَ لاَ تَقَدَّمْ قُدَّامَهُمَا (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۸)؛ چشم‌هایت را جز از روی دلسوزی و مهربانی با پدر و مادر خیره مکن و صدایت را بلندتر از صدای آن‌ها نکن. دست‌هایت را بالای دست‌های آن‌ها مبر و جلوتر از آنان راه مرو». اسلام اطاعت از والدین را یکی از وظایف اصلی فرزندان دانسته است تا آنجا که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره فرموده است: «اَلْعَبْدُ الْمُطِيعُ لِوالِدَيْهِ وَ لِرَبِّهِ فِي اَعْلى عِلِّيِّيْنَ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۵۷۸)؛ بنده‌ای که مطیع پدر و مادر و پروردگارش باشد، روز قیامت در بالاترین جایگاه است».

حدیث شریف کساء، دایره گسترده تواضع و ادب را در برخوردهای پیامبرﷺ با دخترشان حضرت زهراؑ و نیز در برابر خداوند به هنگام دعا به زیبایی نشان می‌دهد. برخورد امام علی، حسنین و حضرت زهراؑ در برابر پیامبرﷺ و نیز برخورد آنان با یکدیگر بیانگر این حقیقت است. اصل تواضع و ادب، شیوه و روش حیات طیبه الهی است که در سبک زندگی فاطمی نمود عینی و برجسته‌ای دارد؛ آنجا که حضرت زهراؑ می‌فرماید: «**دَخَلَ عَلَى اَبی رَسُولُ‌اللّهِ**» و اگرچه می‌تواند آن حضرت را فقط با عنوان پدر یاد کند، اما در کمال تواضع و احترام به مقام والای آن حضرت اشاره می‌نماید؛ زیرا احترام به پدر موجب قدرت یافتن و حفظ وحدت خانواده می‌شود و نقش اساسی در تربیت فرزندان دارد. وجود پدر، احترام به او و درک جایگاهش افزون بر مشخص کردن قوانین خانه، به برقراری امنیت و آرامش روحی و روانی کمک می‌کند. حضرت زهراؑ در اجابت درخواست پدر و اطاعت از ایشان لحظه‌ای درنگ نمی‌کند و هنگامی که حضرت می‌فرماید: «**فاطِمَةُ ایتِینی بِالْکِساءِ الْیَمانی فَغَطّینی بِهِ**»، بلافاصله عبایی را برای پیامبرﷺ می‌آورد و بر دوش آن حضرت می‌اندازد. این رفتار حضرت زهراؑ بهترین الگو در اطاعت از پدر و تواضع و ادب در مقابل او و برای همگان به‌ویژه فرزندان است و به آن‌ها می‌آموزد که میان اجرای فرامین و خواسته‌های والدین و انجام کارهای خودشان، اولویت را به والدین و انجام درخواست آن‌ها بدهند.

اهمیت احترام به والدین و تواضع در مقابل آنان تا آنجاست که نقل است در سال‌های آغاز بعثت پیامبرﷺ روزی آن حضرت فرشی را پهن کرده و روی آن نشسته بود. در این هنگام شوهر حلیمه به حضور آن حضرت آمد. پیامبرﷺ به یاد مهربانی‌های او برخاست و او را بسیار احترام کرد. گوشه‌ای از فرش خود را گسترد و پدر رضاعی خود را روی آن نشاند. پس از اندک زمانی حلیمه وارد شد و حضرت گوشه دیگر فرش را برای او پهن کرد و او را روی آن نشانید و محبت فراوانی به مادر رضاعی خود کرد(اشتهاردی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۴۷).

۲ـ۱. نامیدن والدین با احترام

پیامبر اکرمﷺ، برترین اُسوه ادب در زندگی فردی و اجتماعی و یکی از جلوه‌های زیبای ادب، چگونگی نامیدن و خطاب قرار دادن یاران خویش و دیگر افراد اجتماع است. نامیدن با

کُنیه، نوعی احترام نهادن و گرامی داشتن مخاطب و مورد علاقه عرب آن روزگار بود. پیامبرﷺ نه تنها یارانش را با کنیه مورد خطاب قرار می‌داد؛ بلکه درباره حق پدر بر فرزند می‌فرمود: «لاَ يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ وَ لاَ يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لاَ يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَ لاَ يَسْتَسِبُّ لَه(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۹)؛ او را به اسم صدا نزند، جلوتر از او راه نرود، پیش از او ننشیند و برایش دشنام نخرد». بنابراین فرزند باید والدین را به‌گونه‌ای مورد خطاب قرار دهد که جایگاه آنان و احترام‌شان حفظ شود. کوچک شمردن نام والدین معضلی فرهنگی ـ اجتماعی است؛ زیرا این‌گونه نامیدن والدین موجب می‌شود جایگاه الهی آن دو گوهر ارزشمند فراموش شود. پیامبر اکرمﷺ درباره پیامدهای نامیدن والدین به نام کوچک فرموده است: «الْفَقْرُ مِنْ خَمْسَةٍ وَ عِشْرِينَ شَيْئًا ... وَ دَعْوَةِ الْوَالِدَيْنِ بِاسْمِهِمَا(مجلسی، ۱۴۰۳، ج۷۳، ص ۳۱۷)؛ بیست و پنج چیز موجب فقر می‌شود ... [و یکی از آن‌ها] صدا کردن والدین با نام کوچک آن‌هاست».

حضرت زهراؑ در نامیدن پیامبرﷺ از کلمه «ابی رسول‌الله» یعنی پدرم استفاده کرده است که نشانه احترام و ادب در مقابل والدین است. اگرچه پیامبرﷺ حضرت زهراؑ و ذریه ایشان را از خطاب آیه ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا﴾ (نور: ۶۳) «مبرّا دانسته است، اما بانوی بزرگ اسلام در کنار نام پدر عنوان «رسول‌الله» را نیز استفاده، و احترام ویژه به پدر را رعایت می‌کند. امروزه ارتباط کلامی، باورها، علایق و عقاید کودکان و نوجوانان دستخوش تغییر شده است و این تغییرات می‌تواند به دلایل مختلفی همچون تقلید از غرب، بی‌توجهی والدین، رسانه‌های اجتماعی، فیلم‌ها و مشخص نبودن مرزها و فراموش شدن ارزش‌ها باشد.

۲ـ۲. رابطه کلامی در خانه

زبان، مهم‌ترین عامل ارتباطی انسان و کلام، ساده‌ترین و کاربردی‌ترین وسیله تبادل و تفاهم انسان‌ها به شمار می‌رود. قرآن کریم توانایی برقراری ارتباط کلامی را یکی از موهبت‌های الهی دانسته و فرموده است: ﴿عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ (الرحمن: ۴). ارتباطات کلامی، نقش مهمی در پیشرفت جوامع و افراد دارد. جامعه‌ای را می‌توان سالم و پیشرو در اهداف دانست که میان اعضای خانواده آن ارتباطات سالم و سازنده برقرار باشد و خانواده‌ای سالم تلقی می‌شود

که افزون بر داشتن دانش و اطلاعات در حوزه همسرداری و تربیت کودک و نوجوان، مهارت استفاده از این دانش را نیز داشته باشد. اهمیت و ارزش ارتباطات کلامی در پیشرفت جوامع تا آنجاست که خداوند امر رسالت و پیامبری را مصداقی از یک ارتباط و پیامبر را مأمور انتقال پیام از فرستنده به گیرنده معرفی کرده است: ﴿وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (شعراء: ۱۸). حضرت موسی علیه‌السلام نیز در آغاز رسالت خویش از خداوند برقراری یک ارتباط کلامی به بهترین شکل ممکن را طلب می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي﴾ (طه: ۲۷). منظور از گشوده شدن گره زبان، گره‌های سخن است که مانع درک و فهم شنونده می‌شود(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۱۸۸). اهمیت ارتباط کلامی تا آنجاست که به عبودیت خود و احسان کردن به والدین و خویشاوندان و یتیمان و مستمندان دستور داده و فرموده است: ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (بقره: ۸۳).

تأکید بر گفتار نیک در این آیه در کنار مسائلی همچون عبودیت خداوند و احسان به والدین، بیانگر اهمیت جایگاه ارتباط کلامی است؛ زیرا زبان نقش مهمی در زمینه «ارتباط کلامی» و نیز «تفاهم رفتاری» و به دنبال آن جهت‌دهی به فرهنگ یک خانواده یا ملت دارد و یک واحد اجتماعی همچون خانواده یا جامعه هنگامی موفق خواهد بود که افراد آن بتوانند رابطه کلامی مناسبی با یکدیگر برقرار کنند. یکی از زیباترین جلوه‌های ارتباط کلامی، سلام کردن است. سلام به عنوان زیباترین، پرمحتواترین و مؤثرترین عامل ارتباط جمعی میان مسلمان‌هاست که پیامدها و ثمرات بسیار ارزشمند و گسترده‌ای در جامعه دارد. خداوند در آیه ۶۱ سوره نور، سلام کردن را به عنوان یکی از آداب ورود به خانه معرفی کرده و فرموده است: ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ﴾؛ «پس چون به خانه‌هایی [که گفته شد] در آمدید، به یکدیگر سلام کنید». اهمیت سلام از آن‌روست که چه بسیار دوستی‌هایی که با یک «سلام» ایجاد می‌شود و چه بسیار کینه‌ها و عداوت‌ها که با یک «سلام» از بین می‌رود و موجب الفت قلوب و تقویت ارتباطات می‌شود(کرمی و حسینی‌نیا، ۱۳۹۸، ص ۱۱۶).

یکی از راهکارهای نظام تربیتی اسلام برای جلوگیری از سردی روابط میان زوجین و والدین و فرزندان و تقویت عطوفت و احترام میان آنان، مهارت «سلام کردن» است. سلام،

از مکارم اخلاق دینی و موجب انس و الفت و عامل رفع کدورت است. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام هنگام ورود به خانه ابتدا سلام می‌کند و سپس حضرت زهرا علیهاالسلام را احترام مورد خطاب قرار می‌دهد: «یا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ». در مقابل حضرت زهرا علیهاالسلام نیز آن حضرت را احترام و تکریم می‌کند و این‌گونه جواب سلام حضرت را می‌دهد: «عَلَیْکَ السَّلامُ یا اَبَا الْحَسَنِ وَ یا اَمیرَالْمُؤْمِنینَ». هر گاه عرب بخواهد به کسی احترام بگذارد، او را با کنیه‌اش مورد خطاب قرار می‌دهد؛ چنانکه حضرت زهرا علیهاالسلام نیز امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را با کنیه خطاب کرد. احترام به حقوق دیگران مانند درخواست اجازه برای نشستن، نکته اخلاقی مهم دیگری است که در حدیث شریف کساء بیان شده است: «اتَاْذَنُ لی اَنْ اَکُونَ مَعَکُمْ تَحْتَ الْکِساَّءِ قالَ لَهُ وَ عَلَیْکَ السَّلامُ یا اَخی یا وَصِیّی وَ خَلیفَتی وَ صاحِبَ لِوآئی قَدْ اَذِنْتُ لَکَ».

ادای سلام امام حسن علیه‌السلام به مادر با عبارت «السلام علیک یا اماه» و پاسخ حضرت زهرا علیهاالسلام به ایشان با بیان «و علیک السلام یا قرة عینی و ثمرة فؤادی» و یا ادای سلام امام حسین علیه‌السلام به رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله با عبارت «السلام علیک یا جداه یا رسول‌الله» و پاسخ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به ایشان با عبارت «و علیک السلام یا ولدی و صاحب حوضی» نیز که میان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اصحاب کساء ادامه می‌یابد، تفسیری روشن و صریح از این آیه شریفه است که می‌فرماید: ﴿وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾؛ (نساء: ۸۶) و چون به شما درود گفته شد، شما به [صورتی] بهتر از آن درود گویید یا همان را [در پاسخ] برگردانید»(ر.ک: امرائی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۱۸).

یکی دیگر از مصادیق ارتباطات کلامی در خانواده، صدا زدن اعضا به نام نیکو و زیباست. نامیدن و صدا زدن افراد با لقبی زیبا و متناسب با ویژگی‌های خوب و شایسته او می‌تواند صمیمت و الفت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر را افزون کند. لقب، اسمی است که پس از نام عَلَم انسان برای او به کار می‌رود و به تناسب معنایی در خود نهفته دارد که بر مدح یا ذم فرد دلالت می‌کند(جرجانی، ۱۴۰۵، ص ۲۴۷). قرآن انسان‌ها را از نامیدن یکدیگر با القاب زشت نهی کرده و فرموده است: ﴿وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ (حجرات: ۱۱)؛ زیرا موجب کینه و دشمنی میان انسان‌ها و در نتیجه دوری آن‌ها از یکدیگر می‌شود. استفاده خاندان اهل‌بیت علیهم‌السلام از

لقب «رسول‌الله» هنگام سخن گفتن با پیامبرﷺ در متن حدیث کساء، گویای اوج تعظیم و تکریم آنان نسبت به شخصیت رسول‌اکرمﷺ و اقرار به رسالت و نبوت آن حضرت است. نامیدن حسنین علیهما‌السلام به القاب و کنیه‌هایی همچون «قرة عینی»، «ثمرة فؤادی» و «شافع امتی» و نیز نامیدن امیرالمؤمنین علیه‌السلام با لقب «صاحب حوضی» و «امیرالمؤمنین» نه تنها بیانگر بار معنایی اعتقادی است؛ بلکه حاکی از صمیمیت بالا و بیان ویژگی‌ها و خصلت‌های اختصاصی آن حضرات است که می‌تواند الگوی تربیتی درباره بیان شاخص‌های مثبت افراد و ارتقای رفتار اعضای خانواده در خطاب قرار دادن همدیگر در متن و بطن خانه باشد(ر.ک: امرائی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۱۶).

۳. اهمیت اجازه گرفتن از افراد

«اذن» در لغت به معنای علم، رخصت، اباحه، استماع و فرمان آمده است؛ چنانکه ایذان نیز به معنای اذن دادن و استیذان به معنای اذن گرفتن است(ابن‌منظور، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۰۵؛ مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۱). اهمیت این مسئله تا آنجاست که خداوند به صراحت در آیه ۲۷ سوره نور از ضرورت اجازه گرفتن و اجازه دادن در روابط خانوادگی سخن گفته و فرموده است: ﴿**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ**﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست، داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویید؛ این برای شما بهتر است». علامه طباطبایی «استیناس» را به معنای هر عملی دانسته است که موجب الفت و آرامش می‌شود؛ مانند استیناس برای ورود به خانه دیگران با نام بردن از خدا و یا الله گفتن تا صاحب‌خانه بداند که فردی می‌خواهد وارد شود و خود را برای ورود او آماده کند(طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۱۰۹). اجازه گرفتن از افراد برای ورود به حریم خصوصی‌شان حاوی پیام‌هایی همچون احترام به مالکیت، امنیت و آزادی افراد، تقویت محبت میان اعضا، حفظ حریم حیا و حجاب، مراعات ادب و ضامن بودن فرد برای ورود بدون اجازه به حریم خصوصی افراد از سوی حاکم اسلامی است(قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۶۹ و ۱۷۰).

در روایات نیز بر اهمیت این مسئله تأکید شده است؛ چنانکه نقل است فردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد: آیا هنگامی که می‌خواهم وارد خانه مادرم شوم، باید اجازه بگیرم؟ و به دنبال پاسخ مثبت رسول خدا ﷺ دوباره پرسید: مادرم غیر از من خدمتگزاری ندارد. آیا باز هم باید اجازه بگیرم؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «أَ تُحِبُّ أَن تَرَاهَا عُرِيَانَة؛ آیا دوست داری که مادرت را برهنه ببینی؟». عرض کرد: نه. پیامبر ﷺ فرمود: «فَأَستَأذَن عَلَيهَا(فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص۴۹۲)؛ پس از او اجازه بگیر و وارد شو». رسول خدا ﷺ نه تنها در گفتار بلکه در رفتار نیز این عمل مهم را به دیگران آموزش می‌داد؛ چنانکه نقل است پیامبر ﷺ هنگامی که می‌خواست وارد خانه دخترش فاطمه ؑ شود، ابتدا بر در خانه آمد، دست به روی در گذاشت و در را کمی عقب زد. سپس فرمود: «السَّلامُ عَلَيْكُم». حضرت فاطمه ؑ پاسخ سلام پدر را داد. سپس پیامبر ﷺ فرمود: «اجازه دارم وارد شوم؟». فاطمه ؑ عرض کرد: «وارد شو ای رسول خدا». پیامبر ﷺ فرمود: «کسی که همراه من است نیز اجازه دارد وارد شود؟». فاطمه ؑ عرض کرد: «مقنعه بر سر من نیست» و هنگامی که خود را به حجاب اسلامی محجب ساخت، پیامبر ﷺ مجدداً سلام کرد و فاطمه ؑ جواب داد و پیامبر ﷺ مجدداً برای خودش و پس از پاسخ موافق فاطمه ؑ برای همراهش «جابر بن عبدالله» اجازه ورود گرفت(حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۸۷).

احترام والدین به حریم خصوصی فرزندان در عین نظارت بر آن‌ها، موجب تقویت اعتماد در آن‌ها می‌شود و مسیر رشد و پیشرفت آن‌ها را هموار می‌کند. از سوی دیگر از آنجا که والدین مسئول آموزش احکام دین به فرزندان هستند، باید این نکته را به فرزندان خود آموزش دهند که نه تنها به حریم خصوصی یکدیگر بلکه به حریم خصوصی والدین نیز باید احترام بگذارند و برای ورود به حریم آن‌ها باید ابتدا اجازه بگیرند. در سبک زندگی حضرت زهرا ؑ این مسئله مهم به خوبی رعایت شده است؛ چنانکه بنا بر متن حدیث کساء اگر چه افراد می‌توانستند بدون اذن و اجازه زیر کساء قرار گیرند، اما ابتدا اجازه می‌گیرند و هنگامی که به آن‌ها پاسخ مثبت داده می‌شود، زیر آن قرار می‌گیرند و این، به معنای آن است که حتی اگر شرایط نیز فراهم باشد؛ بدون اجازه نمی‌توان وارد مکانی شد. تکرار اذن‌ها و اجازه‌ها در

متـن حدیـث حتی برای جبرئیل با آن مقام «یا مَلاَّئِکَتی وَیا سُـکّانَ سَمواتی» و «اَمینَ وَحْیِ اللّهِ» هم وجود دارد و او دو بار اجازه می‌گیرد: یک بار از خدای متعال «یَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِی أَن أَهبِطَ إِلَی الأَرضِ لأَکُونَ سَادِسَاً» و دیگر بار از رسول خدا ﷺ «فَهَل تَأْذَنُ لِی یَا رَسُولَ‌الله».

۴. صمیمت میان اعضای خانواده

زندگی خانوادگی، نوعی زندگی اجتماعی اسـت که بر پایه تعاون و همبسـتگی و همکاری اعضـا سـامان می‌یابـد. همان‌گونـه کـه انسـان‌ها در زندگـی اجتماعـی بـدون یـاری همدیگـر نمی‌تواننـد نیازهـای زیسـتی و روانی خود را برآورده کنند، در زندگـی خانوادگی نیز اعضا برای برآورده شدن نیازهایشان به یاری یکدیگر نیازمندند. وجود کودکان و خردسالانی که توانایی برآوردن نیازهای اولیه و مراقبت از خود را ندارند و نیز حضور سالمندان یا بیمارانی که از رفع نیـاز خویـش عاجزند، ضـرورت کارکرد مراقبتـی و حمایتی خانواده را روشـن می‌کنـد. از میان مجموعه نیازهای آدمی، شاید هیچ کدام به اهمیت و اعتبار نیازهای عاطفی و نیاز به مهر و محبت نباشند. به جرئت می‌توان ادعا کرد که نقش این‌گونه نیازها در ادامه حیات متعادل انسان، از نقش نیازهای اقتصادی و معیشتی کمتر نیست؛ به‌گونه‌ای که روان‌شناسان آن را از جمله نیازهای اساسی آدمی برشمرده و محرومیت آن را سبب‌ساز بروز عوارض و آسیب‌های روانی و ریشه بسیاری از نابهنجاری‌ها و ناسازگاری‌ها دانسته‌اند(چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸، ص ۴۲).

صمیمـت میـان اعضای خانواده و احترام آن‌ها به یکدیگر، موجب اسـتحکام دوسـتی و روابط گرم میان آنان می‌شود. فضای امن و محدود خانه، حریمی برای ابراز احساسات، بیان اسـرار، تأمیـن نیازهـای روحی و جسـمی انسـان و ارضای غرایز اوسـت. قرآن بـا تأکید بر این کارکرد خانواده فرموده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (روم: ۲۱). تأکید بر اظهار علاقه و محبت افراد خانواده به یکدیگر، موجب همـکاری در مواجهـه با مسـائل گوناگون می‌شـود و فضای رشـد اخلاقی را فراهـم می‌کند. از همین‌روست که در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز همواره بر این مسئله تأکید شده است:

«أَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَناً وَ أُنْساً فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ

نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْكَ فَتُكْرِمَهَا وَ تَرْفُقَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَوْجَبَ فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا(صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲۱)؛ حق همسرت آن است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه سکون و آرامش تو قرار داده است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر توست؛ پس او را گرامی بدار و با او با رفق و مدارا برخورد کن و هر چند حق تو بر او بیشتر است، اما حق او بر تو این است که با او مهربانی کنی».

احترام میان اعضای خانواده را که موجب ایجاد آرامش و صمیمیت میان اعضا می‌شود، می‌توان به وفور در متن حدیث کساء مشاهده کرد. استفاده از تعابیری همچون «یا اُمّاهُ»، «یا وَلَدی»، «یا وَصِیّی وَخَلیفَتی وَصاحِبَ لِوائی» و ... در گفتگوی با یکدیگر، بیانگر صمیمت میان اهل‌بیت حضرت زهرا علیها السلام است. در این خانه نه تنها سکوت و بی‌روحی حکمفرما نیست؛ بلکه عبارات بی‌نظیری همچون «قُرَّةَ عَیْنی وَثَمَرَةَ فُؤادی» حاکی از ارتباط صمیمانه و عمق احترام و محبت میان مادر و فرزندان است. این ارتباط و احترام و عشق بی‌نظیر را در این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می‌توان مشاهده کرد که می‌فرماید: «اَللّهُمَّ اِنَّ هؤُلاَّءِ اَهْلُ بَیْتی وَخاَّصَّتی وَحاَمَّتی لَحْمُهُمْ لَحْمی وَدَمُهُمْ دَمی یُؤْلِمُنی ما یُؤْلِمُهُمْ وَیَحْزُنُنی ما یَحْزُنُهُمْ».

نتیجه‌گیری

در خانواده‌های امروزی به دلیل دور شدن از معنویت، فرصت گفت‌وگوهای کوتاه نیز از خانواده سلب، و این موضوع موجب سست شدن عنصر محبت، عشق و مهرورزی در میان خانواده‌ها و کمرنگ شدن فرهنگ محبت‌ورزی در جامعه شده است. پس از بررسی نکات اخلاقی تربیتی مطرح شده در این حدیث شریف، می‌توان گفت که پیشرفت در زندگی، شکوفایی استعدادها و تاب‌آوری در برابر مشکلات نه تنها در گرو آشنایی با نکات اسلامی، بلکه در گروه عمل به دستورات غنی آن است. نکته‌هایی همچون ارتباط باخویشاوندان، توجه به جایگاه والدین، نامیدن والدین با احترام، ارتباط کلامی میان اعضای خانواده، اجازه گرفتن از افراد برای ورود به حریم آن‌ها و صمیمیت میان اعضای خانواده، از نکات مهم در

تشکیل خانواده سالم است. آنچه که امروزه به عنوان نظریه‌های روان‌شناسی برای تحکیم خانواده بیان می‌شود، می‌توان به صورت جامع و کامل در آموزه‌های اسلامی یافت؛ چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾ (انعام: ۱۰۴)؛ به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است پس هر که به دیده بصیرت بنگرد، به سود خود او و هر کس از سر بصیرت ننگرد، به زیان خود اوست و من بر شما نگهبان نیستم».

در پژوهش حاضر جایگاه و تأثیر سبک تربیتی مطرح شده در حدیث شریف کساء به طور اجمالی مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که هر یک از شاخصه‌های تربیتی این حدیث شریف می‌تواند تمدن‌آفرین باشد و افراد را برای حضور در جامعه و تشکیل جامعه مهدوی آماده کند؛ پیشنهاد می‌شود علاقه‌مندان به موضوع سبک زندگی و مسائل تربیتی تمدن نوین اسلامی، شاخصه‌های تربیتی بیان شده در این حدیث شریف را به صورت مفصل و در قالب کتاب یا پایان‌نامه مورد واکاوی قرار دهند.

فهرست منابع

فارسی

۱. اشتهاردی، محمد مهدی، (۱۳۶۹ش)، داستان دوستان، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. امامی، حسن، (۱۴۰۱ش)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیه.
۳. امرائی، ایوب و مریم نظربیگی و محمد عترت‌دوست، (۱۳۹۹)، «قرائتی تربیتی از حدیث کساء با روش تحلیل محتوا»، دوفصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره ۶، ش ۲، ص ۲۲۵ ـ ۲۰۵.
۴. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲ش)، نهج‌الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.
۵. چراغی کوتیانی، اسماعیل، (۱۳۸۸)، «رویکرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده»، ماهنامه معرفت، ش ۱۳۹، ص ۵۴ ـ ۳۵.
۶. شاملو، سعید، (۱۴۰۰ش)، بهداشت روانی، تهران: نشر رشد.
۷. عسگری، مرتضی، (۱۳۹۱ش)، حدیث کساء، ترجمه علی اسلامی، تهران: نشر علامه عسکری.
۸. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ش)، تفسیر نور، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۹. کرمی، صدیقه و سید محمدرضا حسینی‌نیا، (۱۳۹۸)، «ارتباطات کلامی و غیرکلامی در خانواده از منظر قرآن کریم و روایات»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، دوره ۱۰، ش ۳۹، ص ۱۳۱ ـ ۱۱۰.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۱. هاید، جانت شیبلی، (۱۳۸۷ش)، روان‌شناسی زنان: سهم زنان در تجربه بشری، ترجمه اکرم خمسه، چاپ دوم، تهران: نشر ارجمند.

عربی

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۷۵ش)، لسان العرب، بیروت: نشر دارصار.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت ـ دمشق: دار القلم ـ دارالشامیه.
۳. جرجانی، علی بن محمد، (۱۴۰۵ق)، التعریفات، حققه و قدّم له و وضع فهارسه ابراهیم الابیاری، بیروت: دار الکتاب العربی.
۴. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی هلالی و علی سیری، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
۵. حویزی، عبدالعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، تصحیح هاشم رسولی، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۶. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۶۲ش)، الخصال، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
۷. ـــــــــ، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

۹. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم: شریف الرضی.
۱۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تصحیح حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران: مکتبة الصدر.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

لاتین

1. Bandura, A. (2001), Social learning theory. Available URL http://www.gwu.edu/~tip/index.html [Accessed1/2/200